

دوره ششم تقنینیه

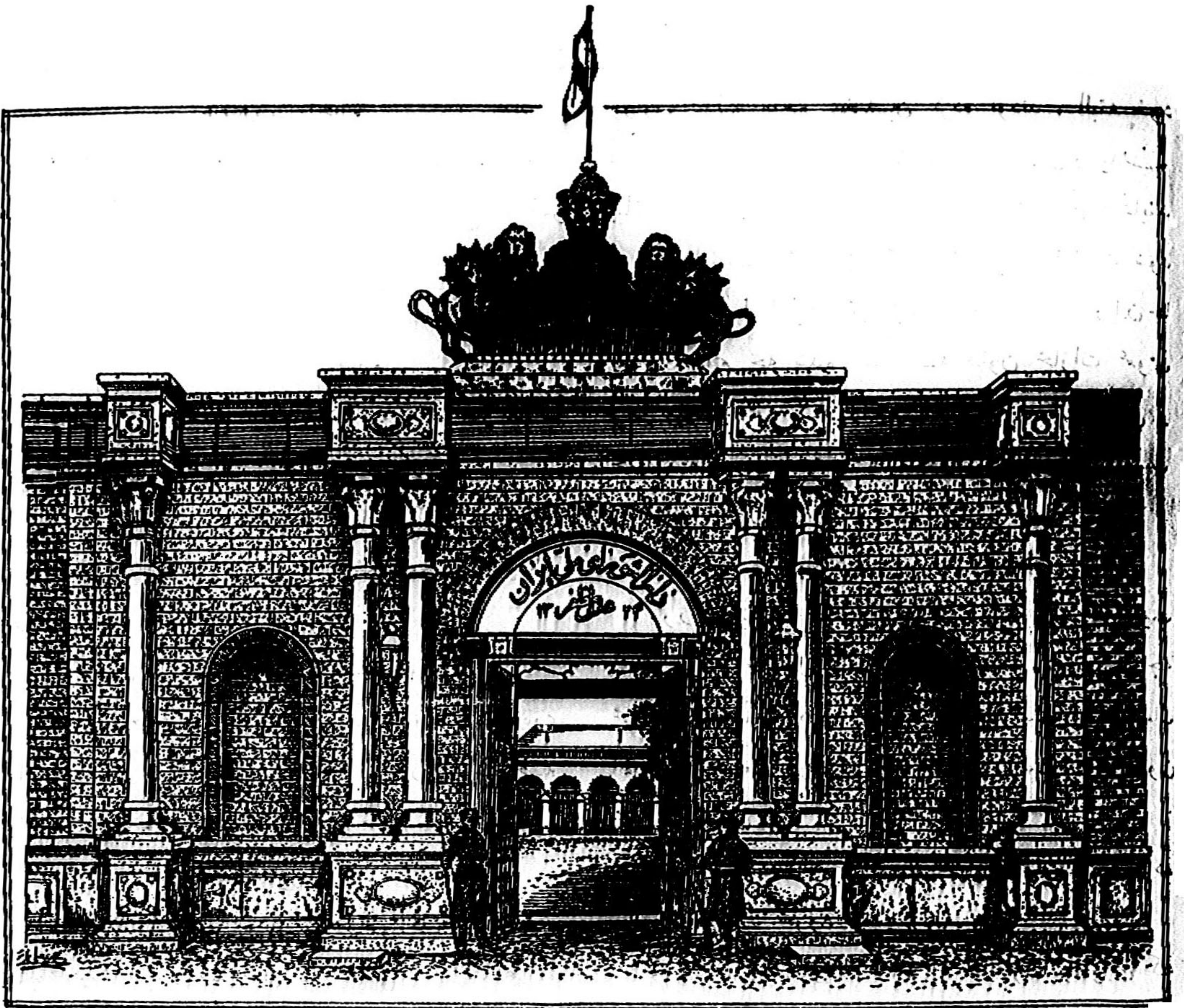
<p>جلسه ۱۷۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۴۰</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۹ جمادی الثانی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارج ۴ دوازده تومان قیمت تک شماره يك قران</p>



# فهرست مدارجات

	از صفحه	عنوان	
الی صفحه			
۲۸۵۵	۲۸۳۹	تقدیم لایحه قانونی مجازات مختلسین اموال دولتی بقید دو فوریت از طرف آقای وزیر عدلیه و تصویب فوریت آن و مذاکره در اطراف لایحه مزبوره	۱





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۹ جمادی الثاني ۱۳۴۶

### جلسه ۱۷۵

غائبین با اجازه جلسه سه شنبه ۷ آذر  
 آقایان : حاج میرزا علی اکبر امین - شیروانی  
 امام جمعه شیراز - داشقی - دولتشاهی - مخبرفرهمند -  
 محمود رضا - نجومی

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست  
 آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس روز پنجشنبه هم  
 آذرا آقای بنی سلیمان قرائت نمودند )



غائبین بی اجازه

آقایان: اسدی - مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - اعظمی - نظام مافی - زارع - افسر حاج حسن آقا ملک - جوانشیر - میرزا حسن خان وثوق حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: حاج شیخ بیات - اسفندیاری - عصر انقلاب امیر حسینخان - عراقی - جلالی - بهار

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: شریعت زاده - قوام شیرازی - آشتیانی میرزا ابراهیم آشتیانی

غائبین با اجازه جلسه پنجشنبه نهم آذر

آقایان: حاج علی اکبر امین - اعتبار - اسفندیاری امام جمعه شیراز - خطیبی - دشتی - شیروانی - مخبر فرهمند - جهانشاهی - سلطان محمد خان - محمود رضا

غائبین بی اجازه

آقایان: زارع - اسدی - مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - اعظمی - دولتشاهی - نظام مافی - افسر - حاج حسن آقا ملک - جوانشیر - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: ایلخان - ملک مدنی - دادگر - دهستانی قوام شیرازی - حاج شیخ بیات - عصر انقلاب - طباطبائی وکیلی - میرزا یوسف خان عدل - افخمی

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: محقق شیرازی - شریعت زاده - پالیزی مهدوی - عباس میرزا - آقا زاده سبزواری - غلامحسین مبرز

رئیس - صورت مجلس ابرادی دارد یا نه (گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر عدلیه - یکی از نمایندگان محترم سؤالی از

وزارت عدلیه راجع بمختلسین کرده بودند. البته خود آقایان نمایندگان محترم تصدیق دارند که برای رسیدن بیک مقصودی باید مقدمات و وسائل آن را تهیه نمایند از برای اینکه مختلسین بالاخره تعقیب و مجازات شود یکی از شرایط اولیه اش البته قانون است. در این جا بنده نمیدانم چه شده است که قانون مجازات عمومی (در مبحث سوم که راجع باختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین است) با یک ملائمت فوق العاده نسبت به مختلسین عمل کرده است...

کازرونی - نسبت بنام سارقین همینطور است. وزیر عدلیه - مختلسین اموال دولت وقتی که تعقیب بشوند و تمام مراحل قانونی طی بشود نازه منتهی درجه مجازات که بآنها داده میشود عبارت است از ده سال انفصال از خدمت دولت. این یک ماده است. در قانون مجازات عمومی ...

عده از نمایندگان - پنجاه هزار تومان میبرد - ده سال از خدمت محروم میشود !! ...

وزیر عدلیه - و بالاخره از یک طرف بطوری که خاطر نمایندگان محترم هست ماده بود (ماده ۲۷۹) که بموجب آن ماده اشکال داشت اشخاصی را که قبل از قانون مجازات عمومی مرتکب اختلاس شده اند تعقیب کرد برای جلوگیری از این قضیه قبلاً بنده آمدم و از مجلس شورای ملی نمنا کردم مجلس هم موافقت فرمود و یک تفسیری از آن ماده کرد که دیگر اشتباهی باقی نمانده است ولیکن قبل از آنکه آن تفسیر از مجلس بگذرد و قبل از انحلال عدلیه راجع به مختلسین که مخصوصاً طرف توجه آقایان و افکار عامه است مستنطق قرار منع تعقیب صادر کرده است. پس از آنکه آن تفسیر گذشت بنده دستور دادم که مدعی العموم مجدداً آن قضیه را تعقیب کند تعقیب هم کرد ولی مستنطق بعنوان اینکه چون سابقاً این قضیه تعقیب شده و یک رأی داده شده است اظهار کرد که دیگر نمیشود در آن

موضوع من تجدید نظر بکنم و برای سابق خودش باقی نماند (یعنی بان قرار منع تعقیب) و در محکمه استیناف هم حق را مستنطق دادند که چون در محکمه سابق یک رأی و یک قرار داده شده است و قرار مستنطق هم بمنزله قرار یک قاضی است نمیشود آن را تجدید نظر کرد و موعدش هم گذشته است این مسئله هم البته از نقطه نظر ظاهر امر خیلی زننده است ولیکن یک مسئله هست که از نقطه نظر حقوقی نظری است و خیلی هم طرفدار دارد برای اینهم لازم بود یک راه حل پیدا بشود که ما بتوانیم اشخاص را که قبلاً (یعنی قبل از آن تفسیر) قرار منع تعقیب شان داده شده است تعقیب کنیم. برای رسیدن بان مقصود دو ماده پیشنهاد شده است که قرائت میکنند و آقایان ملاحظه خواهند فرمود که از یک طرف یک مجازات برای مختلسین معین شده است که واقعا مجازات باشد از دو سال تا ده سال حبس مجرد (یعنی درجه اول حبسهای جنائی) از طرف دیگر هم در این جا تصریح شده است درباره اشخاصی که مشمول مرور زمان (یعنی مرور زمان ده سال) نشده اند اعم از اینکه نسبت بآنها باستناد ماده ۲۷۹ قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد بتوانند آنها را تعقیب کنند یک قسمت دیگری هم هست راجع باحاله دعوی از یک محکمه بمحکمه دیگر. مطابق اصول محاکمات جزائی وقتی که یک جرمی در یک محلی اتفاق افتاد قاضی همان محل باید رسیدگی کند ولی این اجازه را قانون داده است که در یک مواردی و بطور کلی وقتی وزارت عدلیه لازم بداند از یک نقطه نظرهایی وقتی یک جرمی در یک محلی واقع شده است (بیک مناسبت های محلی یا بواسطه یک مشکلاتی) در یک جای دیگر رسیدگی شود اینجا تقاضا شده است که وزیر عدلیه توسط مدعی العموم دیوان عالی تمیز از دیوان عالی تمیز با آن دلائلی که دارد تقاضای احاله بنماید. و از برای این مختلسین هم ما یک گریه کردیم دیدیم که اگر این مواد بکفدری روشن نشود ما بشکال بر

خواهیم خورد این بود که این دو ماده تهیه و تقدیم شد و عرض میکنم که اسباب کار وزارت عدلیه از برای اینکه بتواند مختلسین را تعقیب کند این است که باین مواد رای داده شود و اینها هم یک عده زیادی هستند قریب ۶۰ نفر صورت داده شده است و در تحت تعقیب اند و چند نفرشان از نقطه نظر اینکه سابقا قرار منع تعقیب نسبت بآنها صادر شده است الان دارند راست راست راه میروند آوی خیابانها و آقایان هم ممکن است این جا اظهار تاسف بکنند (صحیح است) و بنده از آقایان نمایندگان نمنا میکنم که این دو ماده که در اساس کمان نمی کشم هیچ اختلافی باشد و گفتگوی این است که راجع باین اشخاص مجازات شدیدی قائل بشویم و بتوانیم آنها را مجازات کنیم آقایان هم رأی بدهند که ما بتوانیم تکلیف مان را اجرا بکنیم و تقاضای فوریتش هم شده است. یک موضوع دیگری است راجع به تعیین تکلیف دعاوی دولت بر افراد و افراد بر دولت که باید برود بکمیسسیون عدلیه. آقایان البته میدانند که این کار ترتیب روشن و صحیحی نداشته است البته قوانین موضوعه بعقیده بنده کافی است برای اینکه دعاوی که مردم بر دولت دارند غیر از دعاوی مالیاتی است و دعاوی که دولت من حیث این که دولت است طرف دعوی واقع میشود مثلاً اگر یک کسی ادعائی بر ملک دولت دارد یا دولت بر ملک کسی ادعائی دارد این بکچیزی است که باید بیاید بعداً ولیکن در سابق چون باین مسئله توجهی نمیشده است و وزارت مالیه اغلب خودش رسیدگی میکرد یعنی خودش هم طرف دعوی بوده است و هم قاضی و هم حاکم. از برای این مسئله هم حالا یک موادی در نظر گرفته شده است که ترتیب دعاوی دولت بر افراد و افراد را بر دولت معین میکند که باید برود بکمیسسیون و پس از آنکه ترتیبش در کمیسیون داده شد بیاید بمجلس شورای ملی



( لوائح مزبوره را تقدیم مقام ریاست نمودند و یکی از آنها بشرح ذیل قرائت شد )

ساحت محترم مجلس مقدس شورایی ملی نظر باینکه ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی نسبت به مختلسین اموال دولتی مجازات جز غرامت و انفصال از خدمت دولت آنها فقط ناده سال مبین نکرده

نظر باینکه مجازاتهای مقرر در مواد ۱۵۳ تا ۱۵۹ نیز نسبت بمأمورین خائن دولت فوق العاده ملایم است نظر باینکه قطعاً لازم است بوسیله مجازاتهای شدیدتری از اختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین جلوگیری کرد.

نظر باینکه بموجب ماده (۲۷۹) که اخیراً تفسیر شده راجع به عده از مختلسین مالیه قبل از انحلال عدلیه قرار منع تعقیب صادر شده بود.

نظر باینکه اصول محاکمات جزائی در قسمت راجع به احاله دعوی جزائی از محکمه به محکمه دیگر در عمل مشکلاتی را ایجاد کرده و برای تعقیب بسیاری از جرائم و بلااختصاص برای تعقیب مختلسین لازم است اصلاحی در آن بعمل آورد دو ماده ذیل را پیشنهاد کرده و باقید دو فوریت تقاضای تصویب آنرا مینماید :

ماده ۱ - مجازاتهایی که بموجب مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون مجازات عمومی برای اختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین مقرر شده است نسخ و بجای آن مجازات ذیل معین میشود علاوه بر رد مال تأدیه غرامتی معادل ضعف آن مال و حبس مجرد از دو تا ده سال ... مجازات فوق در باره اشخاص هم که قبل از انتشار قانون مجازات عمومی مرتکب جرم های مذکوره در مواد فوق الذکر شده اند نسبت بجرم آنها مرور زمان ده سال حاصل نشده است مجری خواهد بود اعم از اینکه نسبت بان اشخاص باسناد ماده ۲۷۹ قانون مجازات قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد

ماده ۲ - حکم احاله که بموجب ماده ۲۰۷ اصول محاکمات جزائی برای رسیدگی بیک دعوا از محکمه محکمه دیگر توسط دیوان عالی نیز داده میشود شامل تحقیقات مقدماتی نیز که خواه بتوسط مأمورین کشف جرائم و خواه بتوسط مستنطق بعمل میآید خواهد بود و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم بدایت محکمه که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارد یا محکمه که باید رسیدگی بانجا احاله شود بعمل آید در هر حال وزیر عدلیه می تواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان نیز تقاضای احاله امری را از دیوان مزبور بنماید

وزیر عدلیه  
رئیس الوزراء

رئیس - مذاکراتیکه میشود راجع بفوریت قسم اول

است آقای حاج آقا رضا رفیع  
حاج آقا رضا رفیع - موافقم  
رئیس - آقای محمدولی میرزا

محمد ولی میرزا - موافقم  
رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم  
رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده هم موافقم  
رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم  
آقا سید یعقوب - بنده مخالف بودم ننوشته اند ؟

رئیس - آقای دادگر  
دادگر - موافقم

رئیس - آقای فیروزآبادی چطور ؟  
فیروزآبادی - مخالفم

رئیس - بفرمائید  
فیروزآبادی - عرض کنم بنده خیلی خوشحال شدم

که بنا است مختلسین مجازات شوند و امروز را روز بزرگی میدانم چون اگر این قانون بگذرد ( هر چند با قانون داریم ) خیلی افاقه بحال مملکت دارد چون همین اختلاس است که مملکت ما را باین روز انداخته است . این دزدیهای بی مجازات است که کار مملکت ما را باین روز گشاییده است . دزدی در این مملکت کار را بجائی رسانیده است که هیچکس راحق ندارد نه دولت راحق دارد نه رعیت نه وکیل نه وزیر و این کار امروزی بسیار کار خوبی است که باید از مجلس شورای ملی بگذرد بشرط اینکه یک قدری انشاء الله مطابقه هم با قانونی شرع داشته باشد . چه بسیار صد هزار تومان و پنجاه هزار تومان ....

روحی - دو بیست هزار تومان - سیصد هزار تومان  
فیروزآبادی - بله صد ها هزار تومان از اموال دولت سرقت میشود و کسی آنها را تعقیب نمی کند بلکه راست راست راه می روند و می گردند بلکه ز رفیع رتبه هم میگیرند . اگر این جور کار ها در مملکت جلو گیری نشود مملکت سیر قهقرائی می کند در هر حال بنده معتقدم که آقای وزیر عدلیه بلکه تمام افراد مملکت بقدر خودشان سعی کنند که این دزدی ها و اختلاسات مرتفع شود . با وجود تمام اینها و با وجود اینکه این عقیده را دارم و امیدوارم که انشاء الله این عقیده هم عملی شود با فوریتش مخالف هستم چون یک کار بزرگی است و اهمیت دارد یعنی با دو فوریتش مخالف هستم و امیدوارم که یک فوریت بیشتر رأی داده نشود تا یک مذاکراتی هم در کمیسیون بشود بعد بیاید بمجلس و لااقل جزئی دقتی درش شده باشد و انشاء الله اقدام شود

رئیس - پس با فوریت قسم اول مخالفتی ندارید ؟  
فیروزآبادی - خیر

رئیس - آقای فومنی چطور ؟  
آقا سید زین العابدین فومنی - بنده هم در فوریت نانی

مخالفت دارم

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اینکه بنده گفتم مخالفم یقیناً باعث تعجب همه است که بنده چرا مخالفت میکنم و اگر راست باشد که یک قانونی برای مختلسین وضع و ایجاد بشود و مجازاتی بعمل آید چرا بنده مخالفت نکنم . لیکن اینطور نیست و مخالفت بنده برای این است که شرم دارم و خجالت می کشم که ما پرروز آمدیم و یک ماده قانون را نقض کردیم . مخصوصاً راجع بمختلسین اصفهان بنده در اینجا عریضی کردم مخصوصاً در نطق آقای وزیر عدلیه و در جائی که بنده مخالفم را عنوان کردم مخصوصاً مختلسین اصفهان را گفتم بنده چه اطمینان دارم که این قانون و این ماده هم که رفت در وزارت عدلیه در مقام تفسیر بر نیابند ؟ مگر در همین جا نبود که آقای وزیر عدلیه اظهار کردند که مخصوصاً مختلسین اصفهان آمده اند و نحت تعقیب اند ولی ماده ۲۷۹ مانع است که آنها را مجازات کنند و ما هم آمدیم و فوراً آن را تفسیر کردیم همان تفسیری که ایشان آوردند . بعد ایشان حالا میگوبند



قبل از انحلال عدلیه مستنطق آمده است و قرار منع تعقیب را داده است خیلی خوب آن عدلیه سابق را که بابا ما گفتیم مهمل و چراند است و خراب و عدلیه با کیزه و منزه و مقدس را آورده ایم روی کار. بعد هم آمدیم و این ماده قانون را چون کثیف و نجس و ملعون بود از بین بردیم و تفسیر کردیم یعنی گفتند برای اینکه ما بتوانیم مختلسین را تعقیب کنیم و چون اینها را در سابق مستنطق تعقیب کرده بود ولیکن این ماده مانع از مجازات بود آقای وزیر عدلیه آمد و تقاضای تفسیر کرد و گفت که برای خاطر همین مسئله من آمده ام و این ماده را تفسیر می کنم این معنایش چه چیز است؟ معنایش این است که تفسیر کنیم و بدهیم بدست قضاة که مطابق این ماده تفسیر شده در موقع اجرا و عمل بگذارند و ما هم با يك شوق و ذوقی حتی مخالفین با عدلیه آمدند و رای دادند و آن ماده را نقض کردند و تفسیر کردند این یعنی چه؟ برای این قانونی که از مجلس گذشته است وزارت عدلیه یا هر کس که باشد باید این ماده را عمل نکند آخر فکر کنیم نظر کنیم به اینکه میگویند که رئیس استیناف و مدعی العموم استیناف دیده اند اینجا قبل از انحلال عدلیه قرار منع تعقیب داده شده بود میگوید من هم دیدم باید عقب او بروم آخر او چه حق داری عقب او بروی؟ قانونی در مجلس آمده است و فوریتش هم خواسته شده است و نقض شده است و تفسیر شده است و تو ماموری آنرا اجرا کنی برو اجرا کن دیگر این حرفها یعنی چه؟ بنده چون اطمینان ندارم که این ماده هم اگر بگذرد وثیقه نداریم که در دست این قضاة اجرا شود و این قضات بمیلی خودشان عمل می کنند از این جهت بنده چون اطمینان ندارم تقاضا میکنم آقای وزیر عدلیه بیایند این جا و جواب بدهند و ثابت کنند و مدلل کنند که این ماده چه شده است استیناف عدلیه با این تفسیر صریحی که در مجلس شورای ملی شده است و این ماده را بعنوان مختلسین مالیه اصفهان نوشته است بچه معنی

این را بر گردانده است؟ بچه دلیل باز دو مرتبه تعقیب کرده اند رأی مستنطق اولیه را؟ تعقیب کردن و دو باره وا گذاشتن چرا؟ چه دلیل برای منقلب کردن تفسیر صریحی که مجلس شورای ملی کرده است داشته اند؟ تفسیر مجلس را گذاشته اند نوبی کشوی میز خودشان باز يك قانون دیگری را پیشنهاد میکنند. مگر ما می توانیم هر روز بقدر يك شاهنامه قانون بنویسیم؟ مگر در قانون توپ مسلسل است؟ آن محکمه استینافی که آمده است و برخلاف تفسیری که در مجلس شده است آن کسبکه قانون را بمیل خودش زبر پا گذارده است و بمنز خودش تفسیر کرده است منفصل کند چطور شما هزار نفر را منفصل میکنید اینها را نمیکند؟ میگویم بچه جهت این قانون و این تفسیر صریح واضح الدلاله صریح الدلاله را عمل نکرده است؟ از جمله غرایب این بود که این قانون در مورد مخصوص و در قضیه مخصوصه وضع شده است وضع این قانون بر طبق توضیح وزیر عدلیه برای مختلسین مالیه اصفهان بود بعد مدعی العموم استیناف یا قاضی استیناف می آید این را تغییر میدهد باز دو مرتبه يك قانون دیگری بیآورد؟ چون بنده اطمینان ندارم که در این قانون دیگر هم يك تفسیری برخلاف رای و نظر مقننین نکنند مخالفم، خوب است توضیح بدهند.

وزیر عدلیه - بنده چون خیلی آشنا هستم بطرز فرمایشات آقای سید یعقوب میدانم که این حرارت ایشان يك حرارتی بوده است که حقیقه از روی يك عقیده بوده است منتهی نتیجه يك عدم توجهی است. باینکه قانون را چه جور باید اجرا کرد فرمودند که در موقع تفسیر ماده ۲۷۹ وزیر عدلیه گفت اینکار از برای این است که مختلسین اصفهان تعقیب شوند بنده هم گمان نمیکنم که در این قسمت بشود يك گناهی بر بنده گرفت که برای این قضیه يك قانونی آورده ام ولی حالا باید ببینیم که آیا ما وقتی میخواهیم بيك مقصودی برسیم يك اصولی را باید قائل شویم یا خیر، در دنیا يك اصولی را از برای

رسیدن بمقاصد قائل شده اند وقتی که میخواهند يك مجرمی را تعقیب کنند اصولی را برایش قائل میشوند باید اول يك قانونی را در جلو داشته باشند که از روی آن عمل کنند بعد يك ترتیب معینی را معین کرده اند که از آن راه بخصوص بایستی رفت تا اینکه بشود مجرم را مجازات رساند اگر فلان مدت گذشت ولو اینکه بزرگترین مجرمها باشد دیگر نمیشود مجازاتش کرد، يك اصولی آنها قائل شده اند چرا؟ برای این که عقیده دارند که با مراعات يك اصولی حتی يك جانی هم يك وقتی بی مجازات بماند این بهتر است. از برای مملکت و از برای جامعه از اینکه بدون اصول کار بشود. آقا که این فرمایش را میفرمایند بنده هم بابشان ارادت ندارم ایشان هم چندین دوره است در مجلسند و چند دوره کار کرده اند يك چیزی را تصدیق بکنند و آن اینست که آیا يك اطلاعات حقوقی خاصی دارند؟...

عمادی - خیر.

آقا سید یعقوب - تو چه میگوئی

عمادی - راست میگویند دیگر. اطلاعات حقوقی

کجا داری؟

آقا سید یعقوب - کد ناپلئون را نمیدانم اما اطلاعات حقوقی اسلامی که دارم

وزیر عدلیه - اجازه بدهید آقای آقا سید یعقوب چرا اوقات تلخیتان را با دیگران میکنید یا بنده بکنید مسئله اینست که وقتی بنا شد يك محکمه يك رایی را داد و آن مراحل استینافی و تمیزش گذشت و مهلتهای قانونی منقضی شد آیا میشود در آن موضوع بخصوص دو مرتبه تعقیب کرد یا خیر، اصل اینست که خیر، وقتی که يك قضیه رسید بآن مرحله که درش حکم يك قاضی شده باشد و موقع استیناف و تمیزش هم گذشته باشد ولو اینکه بدترین احکام هم باشد دیگر در آن بایستی مداخله کرد و این يك اصلی است اگر فرض بفرمائید يك محکمه آمده باشد و در دو سال پیش از

این يك جانی خیلی بزرگی را تبرئه کرده باشد حدت استیناف و تمیز آن هم گذشته باشد آیا امروز ما میتوانیم بیاییم او را تعقیب کنیم خیر؟ ولو اینکه این جا يك جانی بزرگی تبرئه شده است و اوقاعمان هم تلخ شود مصاحبت جامعه اینطور حکم میکنند که ما اصول را تعقیب کنیم مسئله قرار مستنطق: مستنطقی يك قراری را داد و گفت که این مسئله را که شما نسبت باین شخص میدهید و میگوئید جرم است قانون این امر را جرم نمیداند و من باین دلیل او را تعقیب نمیکنم این را میگویند قرار منع تعقیب از نقطه نظر اینکه قانون شامل آن مورد نیست مشکل قانونی علمی در این بوده (چون آقای آقا سید یعقوب غالباً این اصطلاح را میگویند که بیایید علمی صحبت کنیم مشکل علمی در این بوده که آیا قرار مستنطق در حکم قرار يك محکمه است یا نه اگر قبول بکنند که در حکم حکم يك محکمه است مثل حکم يك محکمه میباشد، آنوقت اگر در باره بزرگترین جانیها آمده باشد قرار منع تعقیب داده باشد و موقع استیناف و تمیزش منقضی شده باشد دیگر نمیشود کاریش کرد، اگر بگویند خیر قرار مستنطق قرار قاضی نیست، قرار قضائی نیست، قرار محکمه نیست، آن وقت البته ممکن است که برای این مسئله دو مرتبه تعقیب را قائل شد عرض میکنم که بنده آن روزی که این ماده را گذراندم از نقطه نظر يك مورد بخصوص و يك اشخاص بخصوص نبود بنده بطور کلی شنیده بودم که در عدلیه کار این مختلسین مطرح است و میبایستی این کار تعقیب بشود و این ماده هم مانع است آمدن آن ماده را گذراندم بعد معلوم شد در مورد یک نفر از آنها که اتفاقاً مهمترین آنها حساب میشود از حیث نسبتی که باو داده میشده است (برای اینکه وقتی محکمه یک نفری را محکوم بحکمی نکرده است ما باید او را مظنون بدانیم) خلاصه آن کسی که بیشتر و بزرگترین جرم نسبت باو داده میشده است راجع باو قبل از اینکه عدلیه منحل بشود قرار



منع تعقیب داده شده بود بموجب ماده ۲۷۹ بنده احتیاطاً  
 مدعی العموم گفتیم که شما این قضیه را تعقیب نکنید  
 ببینیم در استیناف و نیز نظر چه میشود آن نظر را  
 میگیرند یا این نظر را که قرار مستنطق قرار يك قاضی  
 نیست ( آقای آقا سید یعقوب هم تنقید . جا بوزیر  
 عدلیه میکنند که دستش را بگیر بپرداز دور ) اگر  
 بنده هم جای آنها بودم با کمال شهامت و جرأت ( با  
 اینکه ممکن بود هوم بکنند ) اینجا می ایستادم می  
 گفتم که عقیده شخص بنده اینست که قرار يك مستنطق  
 قرار يك قاضی است و قرار مستنطق هم مثل حکم  
 قاضی معتبر است و حکم او را نمیشود رد کرد ولیکن  
 چون آنجا خود بنده قاضی نبودم گفتم این قضیه را  
 تعقیب نکنند و ممکن بود که يك قرار دیگری بدهند  
 آقای آقا سید یعقوب هم بنده اطمینان میدهم که  
 شخص بنده بقدری مقید هستم که در کوچکترین قضایا یا  
 مهمترین آنها در هیچ قضیه هیچ قاضی بنده نه آدمی هستم که  
 دستور بدهم نه هیچ چیز دیگر این نظری که میگویم نظر شخصی  
 است البته بنده مدعی العموم حق دارم از نقطه نظر قانون  
 دستور بدهم این مسئله را تعقیب کنند ولیکن هیچ  
 وقت نیروم بيك محکمه بگویم که این قرار و این مسئله  
 را تعقیب کند ، مصلحت مملکت هم در اینست . از  
 این نقطه نظر بالاخره تعقیب شد نسبت به محکمه  
 استیناف هم آقای لطفی میفرمایند و حرارت ایشان  
 چون راجع بيك مقصود مقدسی است البته باعث حرارت بنده  
 نمیشود ، ولیکن آقا انصاف بدهند يك اشخاصی که می آیند  
 می نشینند فکر این وضعیت را هم میکنند فکر جار و  
 جنجال و هورا هم میکنند و همه قسم رعایت قانون را  
 میانند و می ایستند و میگویند عقیده ما اینست و از  
 این عقیده خودمان هم بر نمیگردیم پس نبایستی اینجا  
 این حرف را زد . البته آقایان میدانند که مسئله  
 عدلیه يك مسئله شخصی نیست ، میدانند يك مسئله  
 مملکتی است يك مسئله بزرگی است يك آرزوی ملی است  
 ما که نبایستی اگر در سر يك چیزهایی و در يك مواردی

نظر های خیلی مهم و مقاصد ملی خیلی مهم يك حرارتهائی  
 بکنند نه برای يك نظر هائی که بعداگر در حرارتهای  
 خودشان از روی انصاف و وجدان خودشان نگاه  
 بکنند تصدیق بکنند که يك ضرر های بزرگتری در يك  
 مسائل خیلی بزرگتری از این حرارتهای پیش خواهد آمد  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
 حاج میرزا مرتضی - بنده مخالفم  
 رئیس - بفرمائید

حاجی میرزا مرتضی - يك لایحه باین مهمی را  
 آقای وزیر عدلیه میآورند بمجلس بکمی مخالف هنوز حرف  
 زده فوری از اطراف شروع میکنند ' کافیسست کافیسست ' ،  
 بالاخره شاید ( حالا چه عرض کنم ) شاید آقایان  
 فهمشان بهتر از بنده باشد بنده که نفهمیدم جزئیات  
 این لایحه چیست فقط يك امر کلی بود که مختلسین را  
 باید مجازات کرد ، خیلی خوب . قرارى نسبت بمختلسین  
 باید صادر نمود ولی حالا ترتیب این قانون و وضعش  
 چه است ما نفهمیدیم نه مذاکره نه مطالعه در اطرافش  
 شده است با قید دو فوریت بیاید در مجلس و مجال هم  
 نمیدهد که افلا بکنفر دو نفر حرف بزنند که مطلب  
 دست آدم بیاید و رأی بدهد استدعا میکنم که آقایان  
 ( البته اکثریت هستند قوی هستند ، میتوانند رأی  
 بدهند که افلا دیگران هم بفهمند که این قانون که  
 وضع میشود چیست ، آن وقت بدو فوریت رأی بدهند  
 رئیس - آقای زوار

زوار - عرض کنم که اولاً نمایندگانه محترم باید  
 تصدیق بفرمایند که لوایح بقید دو فوریت در مجلس  
 سابقه دارد یعنی وزیر حق دارد که لایحه ای را بقید دو  
 فوریت بیاورد بمجلس و قانون این حق را بوزیر داده  
 است شاید صلاح وزارتخانه اش در اینست که این  
 قانون بقید دو فوریت بگذرد این يك قسمت ، قسمت  
 دوم اینکه موضوعی را آقای فیروز آبادی فرمودند که  
 امروز یکی از روزهای تاریخی و مهم ما است که این

لایحه برای تعقیب مختلسین تهیه شده برای اینکه این  
 مملکت را حقیقه اختلاس کشته است و تاکنون هم ما  
 نتوانسته ایم هیچ کاری بکنیم دو سه ماده است که  
 آورده اند و میگویند که باید مختلسین سابق و لاحق را  
 نحت محاکمه آورد و حبس کرد ، بنده نمیفهمم که باین  
 فرمایششان آقا چرا با فوریت مخالفت میکنند که ماکاری  
 از این فوری تر نداریم و بنده هم مخالفت آقا را نمیتوانم  
 حمل بر يك چیزهایی بکنم مگر اینکه عرض کنم کم  
 لطفی میفرمایند

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان  
 موافقین قیام فرمایند  
 ( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد . حالا رأی گرفته میشود بفوریت  
 قسم اول آقایان موافقین قیام فرمایند  
 ( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد مذاکرات راجع بفوریت قسم  
 دوم است آقای عمادی موافقت یا مخالف ؟  
 عمادی - موافقم

رئیس - آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای عراقی و یامند هم موافقت ؟

( گفتند : بلی )



رئیس -- آقای فیروز آبادی چه طور ؟

فیروز آبادی -- مخالفم .

رئیس -- بفرمائید .

فیروز آبادی -- عقیده بنده همانست که عرض کردم  
الشا لله این قانون خوب قانونی است و خوب قانونی هم  
خواهد شد مملکت ما بواسطه بی مجازاتی باین روز افتاده  
است ما در بیان زراعت میکنیم یعنی رعایا زراعت  
میکنند و مالیات میدهند ولی سارقین میبرند و مجازات  
هم نمیشوند بلکه میآیند اینجا مشغول گردش و اینها  
میشوند اما راجع بفوریت بنده با دو فوریت مخالفم و  
معتقدم که برود بکمسیون منتهی از کمسیون زود ز  
بگذرد و خبرش تقدیم شود بمجلس و تصویب شده عمل  
شود ، بنده کاملاً موافق با مجازات سارقین هستم ولی از  
روی نظر و دقت نه باین تعجیل و فوریت ، الان بنده  
نمیدانم که موضوع چیست هیچ نمیفهمم ما باید يك  
مطالعه و دقتی بکنیم شاید بعضی از آقایان دیگر هم مثل  
بنده ملتفت نشده باشند در هر صورت بنده عقیده دارم  
که این قضیه برود بکمسیون و بکشوری باشد و باین  
فوریت نمیشود رأی داد

رئیس -- آقای باستانی

باستانی -- غالباً وقتی در يك موضوعی مذاکره میشود  
آقایان مفرمایند که ما درست از موضوع مستحضر  
نشده ایم ، با توضیحات آقای وزیر عدلیه بنده بی  
ضرر میدانم که آن ماده قانون جزائی را که  
حالا میخواهیم نسخ کنیم برای آقایان بخوانم تا  
مطلب را بشان روشن بشود ، خود بنده حالا آرا میخواهم ؛  
اینست ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی که میگوید  
« هر يك از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران  
و محاسبین و امناء صندوق دولتی که نقدینة متعلق به  
دولت یا اشخاص یا اسناد مطالبات که بمنزله نقدینة است  
یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر

حسب وظیفه سپرده بانهاست اختلاس با هر تصرف غیر  
قانونی نماید بملاوه رد مال و تأدیبه گرامتی معادل ضعف  
مال محکوم بانفصال از خدمت دولت از يك ناده سال  
خواهند کرد بد ، مواد بعدم که در همین زمینة است  
مراجعه بفرمائید مجازاتهای مقرر در همین زمینة است  
مقصود این است که مطابق این قانون که از کمسیون  
عدلیه مجلس گذشته است ( در دوره پنجم ) کسانیکه  
متهم باختلاس هستند و باید تعقیب شوند بالاخره مجازات  
آنها در چیز است اول اینکه باید مالی را که اختلاس  
کرده اند پس بدهند ، این که تصدیق بفرمائید مجازات  
نیست ، دوم اینکه باید محکوم بتأدیبه گرامتی مطابق ضعف  
آن مال بشوند و ده سال منفصل از خدمت بشوند ، اینها  
مجازاتیکه در قانون جزا پیش بینی شده است نسبت بکسانیکه  
اختلاس کرده اند ولی افکار جامعه و خود ماها قانع باین  
مقدار از مجازات نیست یعنی این طور شده است که همه  
میگویند باید مجازات مختلس را شدیدتر کرد بنده  
مجازات حبس مجرد را عقیده ندارم و آن را متناسب با  
اختلاس نمیدانم ( و در موقعش هم خواهم گفت ) چرا  
برای خاطر اینکه اختلاس همان خیانت در امانت است  
شراً و جز حبس تأدیبی چیز دیگری لازم ندارد و  
چاره جز حبس تأدیبی نیست و باید حبس تأدیبی بشود  
این عقیده بنده است ولی اساساً در اینکه جامعه قانع  
نیست باینگونه مجازاتها که مختلس مالی را که برده  
است از او پس بگیرند و منفصلش کنند اینهم شبها  
نیست بنا بر این باید يك مجازات شدیدتری برای مختلس  
وضع کرد که نظر آقایان هم تأمین شود . این توضیح قضیه  
بود دیگر تأخیر برای چه ؟ يك توضیح دیگری هم لازم  
بود بنده بدم ؛ غالباً گفته میشود « مختلسین فلانجا » وکیل که  
واضع قانون است تا محکمه حکم صادر نکرده حق ندارد این نفوه  
را بکنند و کیلی که واضع قانون است نمیتواند بکسو که هنوز  
حکم محکمه در باره اش صادر نشده است بگوید جان  
و مختلس ! باید بگوید متهمین باختلاس . اینها متهمین

باختلاس هستند و باید آنها را تعقیب کرد . مستنطق  
قبل از انحلال عدلیه قرار منع تعقیب را صادر کرده  
است بعد هم مطابق قوانینی که در دست است مستنطق  
نمیتوانسته است تعقیب بکند آقای آقا سید یعقوب التفات بسیار  
قوانین نکرده اند . آن قوانین در حدود خودش معتبر  
است و وقتی میتوان آن قوانین را نسخ کرد که عملاً  
قوانینی جای آن را بگیرد وزارت عدلیه و کمسیون  
عدلیه قوانینی نوشته اند که حاکم به ماسبق یعنی قبل  
از انحلال عدلیه نیست پس اگر مستنطق نظر بیک  
قانونی که قبلاً معتبر بوده است يك قرار داده است  
و تعقیب را منع کرده است کار بی موردی نکرده است  
و باز توضیحاً عرض میکنم این مجازات مجازات اداری  
است ، مجازات عمومی که عدلیه حکم کند نیست .  
انفصال از خدمت که در ماده ۱۵۲ نوشته است وظیفه  
محکمه اداری است . وظیفه محکمه عمومی نیست . رد  
مال یا تأدیبه گرامت یا ضعف آت اینهم يك مجازاتی  
است که عدلیه میتواند بگوید بموجب این ماده اصلاً  
من حق تعقیب را ندارم و خود محکمه اداری باید  
تعقیب کند او را منفصل از خدمت میکند بکند در  
حدود صلاحیتش مال را میخواهد بگیرد خودش بگیرد  
اینها کار اداری است . پس وقتی عدلیه میتواند تعقیب  
بکند که ما يك مجازات عمومی از قبیل حبس تأدیبی  
حبس مجرد و چیزهایی که در اطراف این مجازات هادر  
قانون پیش بینی شده وضع کرده باشیم پس اعتراضی به  
مستنطق و قاضی عدلیه هم وارد نیست و این توضیحاتی  
که دادم از نقطه نظر این است که آقا با اینکه کاملاً  
معتقدند که اینها باید مجازات شوند و تعقیب شوند  
دیگر مخالفت نکنند و بگذارند فوریتش تصویب شود .

رئیس -- آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات -- بنده اصولاً با کلیه قوانین مجازات  
برای اختلاس و از این قبیل قوانینی که بر بخورد بیک  
مجازات که بالاخره مملکت را نداشتن آن قوانین حقیقه

فلج کرده همیشه موافق بوده ام . ولی يك قوانینی  
هست که قوانین عمومی است یعنی محل احتیاج جامعه  
است . این قوانین برای اشخاص وضع نمیشود تعقیب بنده  
اگر يك قوانینی وضع میشود برای امروز است تا هر وقت که شود  
این است که اصولاً تصدیق مینمایم اینها بنده را بدون ملاحظه  
و مراجعه باصلش ولو خیلی هم خوب نوشته باشد بنده  
معتقد نیستم از مجلس شورای ملی بگذرد و بهتر این است  
که آقایان موافقت بفرمایند که این لایحه ولو يك دفعه  
هم برود بکمسیون ( يك فوریتش هم تصویب شده است )  
و يك دقتهای کاملتری بشود البته میدانید نظریات افراد  
نسبت بقوانین خیلی اهمیت دارد و میتواند يك نکات  
دقیقتری را در هر قسمتی بکنند که يك تأثیرات و  
فوائد بیشتری از این قانون که برای جلوگیری از اختلاس  
امروز میخواهیم بگذاریم ازش بگیریم . این است که  
بنده عقیده دارم آقای وزیر عدلیه اگر موافقت بفرمایند  
و آقایان نمایندگان موافقت بفرمایند این قانون برود به  
کمسیون و کمسیون هم تشکیل شده . . .

بکنند از نمایندگان -- نشده .

حاج شیخ بیات -- فردا میشود . پس فردا میشود . و  
شده است . . .

بعضی از نمایندگان -- خیر نشده .

حاج شیخ بیات -- بنده اینکه عرض کردم تشکیل  
شده مقصودم این نبود که الان کمسیون عدلیه در خارج  
منعقد است . مقصودم این بود که کمسیون عدلیه تشکیل  
نمی شود کمسیون عدلیه که تشکیل شد برود با آنجا و در اطراف  
این مطالعه و دقت بشود . و اصولاً نمی می گتم از  
آقایان که این دو فوریت را نسبت بلوایح عمومی صرف نظر  
بکنند . این بود عرض بنده

وزیر عدلیه -- بنده خودم هم از دو نقطه نظر اساساً  
خیلی سعی دارم که چیزهایی بفوریت پیشنهاد نکنم یکی  
از آن دو نقطه نظر این است که واقعاً می بینم این  
نظر طرف توجه نمایندگان است و بالطبع يك وزیر



هم باید آن چیزی را که اکثریت بان نظر دارند مراعات کند و بنا بر این خیلی از لوایح را در نظر داشتیم و دارم بعضی مواد هم قبلاً داده شده است که آقایان ملاحظه کرده اند که هیچ تقاضایی دو فوریت نشده. فقط در اینجا اگر يك شکل بشود بنده فوراً موافقت میکنم که يك فوریت باشد و آن شکل عبارت از این است که اگر چه بطوری که نماینده محترم فرمودند قانون برای مورد خاصی و اشخاص خاصی نیست ولی در هر حال این را هم همه میدانید که يك موضوع و مورد خاصی عجالتاً پیدا شده است و این قانون وقتی که گذشت میگردد این اشخاص را. حالا تصدیق بان قضیه آیا باید کرد یا خیر که وقتی يك اشخاصی که صد و شصت هزار تومان صد هزار تومان بر داشته اند برده اند و مدتها هم هست میکردند و خیالشان هم فارغ است اگر بگوئید این قانون برود به کمیسیون مدتی طول دارد صبر کنیم تا انشاء الله از کمیسیون بگذرد و بیاید مجلس شورای ملی چه مشکلاتی ممکنست ایجاد بشود؟...

بعضی از نمایندگان - صحیح است

وزیر عدلیه - این يك قضیه ساده نیست. فکر کنید. يك کسی بگویند تو صد و شصت هزار تومان برده ای حالا صبر کن آنجا بنشین هیچ قدمی بر ندار هیچ اقدامی نکن تا اینکه ما خیال داریم يك قانونی به کمیسیون عدلیه ببریم آن را طرح کنیم شور کنیم بعد از مدتی ملازم ملازم بیاییم مثلاً ده سال حبس مجرد پیشنهاد کنیم. این نمیشود. این قضیه اگر در بین نبود بنده موافق بودم. واقعاً هم قانون مجازات است يك موادی که باید رسیدگی کرد و خیلی دقیق باید بود ولی از این نقطه نظر بخصوص بنده فوریت تقاضا کردم آقایان ملاحظه بفرمایند اگر این نظر واقعاً صحیح بوده است موافقت بفرمایند یا دو فوریت اگر نیست که هیچ

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

زعیم - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

فکر خود آقای وزیر عدلیه هم کمک میخواهم که بیاییم و مطالعه کنیم و يك قانونی که مبتلا به است درست در آن دقت بکنیم که اقلاً نخوانند بيك قانونی که ما می گذرانیم ....

آقا سید یعقوب - کی می خندد آقا؟

زعیم - آقا شما که الان مخالف بودید آقا بله می خندند بقانون غلط که بی فلسفه باشد می خندند.

آقا سید یعقوب - دزد را که بخوانند بگنند می خندند آقا؟

وزیر عدلیه - بنده گمان میکنم که اینجا يك مختصر سوء تفاهمی پیدا شده است. آقای نماینده محترم آقای زعییم مثل این است که تصور فرموده اند که این قانون نازه نوشته شده است. در قانون دو قسمت است يك قسمت که می آید تعریف جرم را میکند و يك قسمت دیگر که مجازاتش را معین میکند. در قسمت تعریف جرم فوق العاده باید دقت کرد که باید عبارات کونا می يك موارد خیلی زیادی را بطور روشن بشود جمع کرد و مشمول آن مقررات نمود این قسمت را ما اصلاً دست زدیم و سر جایش هست و این هم چیزی نیست که نازه باشد و مطالعات زیادی لازم داشته باشد مسئله این است. بعبارت ساده تر سؤال بنده این است آیا عقیده بان این است که يك کسی که مختلس اموال دولتی باشد این باید همین مجازات که اینجا نوشته است محکوم بشود یا خیر؟ ...

بعضی از نمایندگان - خیر

وزیر عدلیه - اینجا میگوید یکی اینکه آن مالی که گرفته از او پس بگیرند اغلب این حرف است. خوب این پولی که برده چکار کرده؟ کجا برده؟ دو سال يك سال از این قضا یا گذشته این پول را گمان میکنم بشود پس گرفت. نه میدهد و نه میشود. اما قسمت اینکه دو برابر آنچه که برده بدهد آن را گمان میکنم اصلاً بنده درس وارد نشوم. ممکنست پول کرده باشد گذاشته باشد در بانک، ملک

خریده باشد باسم عیالش هزار نازي در آورده باشد که بالاخره همه میدانیم. خوب دیگر از این مجازات چه باقی میباشد؟ اینکه این زرگوارى که اینکار را کرده از يك ناده سال منفصل خواهد شد از خدمت دولتی. ممکنست يك قوانین مخصوصه هم باشد پنج سال بشود دو سال بشود، یکسال بشود. تمام مجازات این است. حالا آیا میفرمائید که يك چنین مختلسی را باید فقط یکسال منفصل کرد؟ بنده که گمان میکنم هیچ عملی از این مفید تر نیست، هیچ کسی از این مفید تر نیست که آدم در ماد يك مبلغی حقوق بگیرد بعد هم وقتی که موقع دستش آمد يك مرتبه صد هزار تومان پنجاه شصت هزار تومان برد آنوقت یکسال هم برود خانه اش بنشیند منفصل بشود ماهی دوست تومان صد و پنجاه تومان را نگیرد. پس قضیه بر میگردد روی آن مسئله که بنده عرض کردم. حالا بنده اصل مجازات جرم را میخواهم آقا خوانند بنده هم میخواهم که بهتر علفت شوند میگوید: هر يك از تحصیلداران ...

(خطاب به زعییم) در این مانیه بودید آقا میدانید از این کارها خیلی میشود. و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین و امانت صندوق دولتی که نقدینه متعلق بدولت یا اشخاص یا اسناد مطالبات که منزله نقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر حسب وظیفه سپرده بانها است اختلاس یا هر تصرف غیر قانونی نماید بعلاوه رد مال و نادره غرامتی معادل ضعف مال محکوم بانفصال از خدمت دولت از يك ناده سال خواهند گردید. دومیش (چون ماده صد و پنجاه و سه هم جزء آن است) ماده ۱۵۳ هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی و اشخاصیکه عهده دار خرید یا فروش یا ساختن چیزی یا امر بساختن آن برای دولت بوده است بواسطه تدلیس در خرید یا فروش یا در تعیین مقدار یا صف آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشد که موجب ضرر دولت باشد علاوه



بر استرداد آنچه تحصیل کرده بتادیه غرامتی معادل ضعف آن محکوم خواهد شد و اگر مستخدم دولتی باشد بعلاوه مجازات فوق از يك تا هفت سال از خدمت دولت منقصل خواهد گشت . باز می بینید که اینهم چیزی نیست . بالاخره دنباله این قانون را بگیریم باز مواد دیگری هست آن قسمتی که خیلی باید درش مطالعه و دقت کرد تعیین جرم و تعریف جرم است آن قسمتش حلاجی شده است ممکن هم هست يك نواقصی داشته باشد . ولی خبر اگر يك روز بر خوردیم بيك نواقصی ممکن است بیاوریم ببریم در کمیسیون عدلیه و بيك قراری میگذاریم . قسمت دیگر قسمت مجازات است که آیا با این اشخاص باید مجازات بشوند یا نشوند ؟

بعضی از نمایندگان - بلی بلی

وزیر عدلیه - این یکی مسئله دیگر این اشخاصی که بعنوان ماده ۲۷۹ قرار منع تعقیب آنها صادر شده است آنها را باید ول کرد یا خیر ؟ . . .

بعضی از نمایندگان - خیر خیر .

وزیر عدلیه - اگر اینطور باشد و باید ول کرد من هم حرفی ندارم ولی اگر نباید ول کرد پس اینقدر فکر زیادی در این دو مسئله لازم نیست . يك مسئله این است که مجازات مجلس بیشتر از انفصال چیز دیگری باشد ؟ یکی هم اینکه کسانی که قرار منع تعقیب در باره آنها صادر شده باید آنها را تعقیب کرد یا نه ؟ این دو موضوع خیلی سهل و ساده است . سایر قسمتهايش در قانون نوشته شده است چاپ هم شده است دست مردم هم هست . نه مورد خنده است و نه کسی حق دارد که بيك قانونی که از مجلس میگردد بخندد .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقای ضیاء و آقای زعیم پیشنهاد تنفس داده اند .

جمعی از نمایندگان - همه مخالفیم .

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنده ملاحظه کردم دیدم فرمایشات هربك

از آقایان موافقین و مخالفین نسبت به فوریت قسم نان باندازه ضعیف نیست که بشود بدون مطالعه رأی داد در حالتی که بنده کاملاً معتقدم که اینطور مجازاتها میبایستی تا هر درجه ای که قانون و انصاف قانون گذار ها اجازه بدهد شدید باشد به مقتضای مملکت . و از يك طرف دیگر هم معلوم است اینگونه امور عمومی که مربوط بيك قضایای خصوصی نیست نباید اینقدر سریع بگذرد حالا برای يك موضوع خصوصی تسریعی مقتضی باشد اما ممکن است چهار روز دیگر يك مواضعی پیش بیاید که اینقدر شدت و سرعت لازم نداشته باشد و از آن طرف رأی ندادن بفوریت قسم نان هم ممکن است که يك موضوع مهم باشد و فوت بشود بنده باین جهات پیشنهاد کردم ده دقیقه تنفس داده شود در این مدت لایحه پیشنهادی دولت بین نمایندگان دقت و مطالعه بشود و تطبیق با قوانین موضوعه بشود بعد از تنفس نمایندگان حاضر بشوند یا ایمان به صحت موضوع بفوریت قسم نان و به خود موضوع رأی بدهند .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - فرمایشات آقای ضیاء را بنده آنچه که تصور کردم مخالفتی نبود و خودشان هم فرمودند با اصل قضیه موافقت . ولی نسبت بيك قضیه که ایشان میگویند باید تحت مطالعه بیاید و امر مهمش هم تلقی میکنند بنده خیلی تعجب میکنم که ایشان میفرمایند به تنفس و رفتن نوي سر سرا ( که آنجا بعضی مشغول چای خوردن می شوند و بعضی مشغول سیکار کشیدن ) این قضیه حل میشود ، همچو امر مهمی با این انتظامی که در مجلس است حل نمی شود ولی با آن بی انتظامی که که در سالون هست حل می شود !؟ این خیلی اسباب تعجب من شده است . عقیده بنده این است که تنفس داده نشود و حق اینکه رأی آخري را هم باید بدهیم و اگر بنا شد تنفس تا آخر مجلس داده نشود . برای اینکه این يك امری است که باید امروز تمام

شود ، ما برای يك شهریه چهار ساعت پنج ساعت حرف میزنیم ، و تعقیب این اختلاس مهم را نمی شود معطل کرد . این است که بنده عقیده به تنفس ندارم .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای ضیاء آقایانیکه موافقت قیام فرمایند .

( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد . رأی میگیریم بکفایت مذاکرات

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

( اغلب برخاستند )

رئیس - اکثریت است . رأی گرفته می شود به

فوریت قسم دوم آقایان موافقین قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . مذاکرات راجع به کلیات

است . . .

حاج شیخ بیات - ( خطاب به آقای رئیس ) - آقای زوار به بنده توهین کردند .

رئیس - بنده چیزی نشنیدم . . .

آبۀ الله زاده اصفهانی - آقایان همه شنیدند که گفت شما طرفدار مختلین هستید .

زوار - بنده اینرا جداً تکذیب میکنم .

رئیس - آقای موقر

موقر - عرض میکنم . بنده تصور میکنم که حبس مجرد کافی نیست و میبایستی حبس مجرد مبدل به حبس با اعمال شاقه شود بجهت اینکه اشخاصی که خود را حاضر میکنند برای اختلاس یا دزدی از حبس مجرد که اسباب راحت آنها است باکی ندارند فقط چیزی که میتواند جلوی آنها را سد کند همان اعمال شاقه است و الا صد هزار تومان دوست هزار تومان ، سیصد هزار تومان اختلاس کردن و يك مدتی راحت گذراندن از برای آنها هیچ اهمیت ندارد و از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که

عبارت حبس مجرد مبدل شود به حبس با اعمال شاقه  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم .

بعضی از نمایندگان - يك مرتبه ماده را قرائت کنند

رئیس - عرض کردم مذاکرات راجع به کلیات

است . آقای روحی

روحی - بنده عقیده دارم که آقا هم موافقت فرمایند

همین اصلاحی که در قانون سابق شده است بهمین

ترتیب بگذرد در این مملکت هیچ بندی و قیدی نبوده

است هرکس هر قدر توانسته است اختلاس و دزدی

کرده است منتهی مجازات هم که برای این کار معلوم

شده بود فقط ده سال انفصال از خدمت بود ولی حالا

ده سال حبس مجرد معین شده است . بکنفری که

اختلاس میکنند ده سال حبس مجرد میشود و این يك

کار بزرگی نیست . این است که بنده از نماینده مجرم

تقاضا میکنم که ایشان هم پیشنهاد خودشان را مسترد

کنند با این ترتیبی که در قانون قید شده است .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده اولاً عرض میکنم که تصور

نشود بنده با قانونی که برای مجازات مختلین وضع میشود

مخالفم (فرمایش آقای باسائی متهمین) نظیر بنده در این مسئله

نظیر همان کرکی است که بردند کله را دستش دادند

و گریه میکرد و میگفت میترسم دروغ باشد آقای داور

در ضمن فرمایشاتشان فرمودند فلانکس شما از حقوق

اطلاعی ندارید ، حضرت وزیر که خبر دارند آقای باسائی

هم که مؤبدشان بودند کاملاً با خبر بودند ولی بنده تصدیق

دارم که خبر ندارم . اما بنده عرض میکنم بعد از آنکه

بموجب قانون سابق مجلس آن ماده را تفسیر کرد و

مستنطق قرار منع تعقیب را داد دیگر به چه مناسبت

آمدید به مدعی العموم استیناف امر دادید که این مسئله را در تحت نظر بیاورد ؟ خوب این يك ایراد به شما



که قانون دان و تحصیل کرده هستید . . . .  
وزیر عدلیه - تصدیق دارم .

آقا سید یعقوب - میفرمائید که نمیدانسم و گاهی هم میشود که اشتباه میشود ولی چرا فرستادید مدعی العموم استیناف يك چیزی که قانون و مستنطق قرار منع تعقیب را داده است و نمیشود تعقیب کرد امر دادید تعقیب کند؟ بنده هم گاهی يك کار هائی در عدلیه داشته‌ام و برای بعضی موضوع ها گاهی به عدلیه مبرفته‌ام گاهی هم مظلوم واقع میشده‌ام گاهی ممکن بود ظالم باشم . در هر حال يك کار هائی در عدلیه داشته‌ام و میدانم که در بعضی موارد ( آقايان بخوبی مستحضرنند ) و مواقع فوق العاده که آن موارد را در موقع قانون حساب نمی‌کنند و آن موقع را مثلاً در مدت استیناف قرار نمی‌دهند . مثل موقع فرس مازور که يك رتبی پیش می‌آید که در موعد استینافی که سی و يك روز است در این مدت نه مدعی العموم و نه مستنطق و نه عارض و نه معروض نمیتوانند مطابق معمول رفتار کنند در این موقع نمیشود گفت که مدت استیناف گذشته است زیرا که فرس مازور بوده است ( این لفظ فرس مازور دیگر اصطلاح شده است اگر بنده لفظ فرنگی مآبی گفتم ببخشید ) در هر حال اگر يك چیزی در این مدت پیش آمد و يك موقع فوق العاده بود گمان میکنم مطابق سابقه این مدت را جزء موعد قانون نیاورند . ثانیاً بعد از این که بر شما معلوم بود که قانون اینطور است که بعد از آنکه مستنطق قرار منع تعقیب را داد دیگر نمیشود تعقیب کرد شما که وزیر عدلیه عالم ما هستید چرا آن ماده را آوردید در مجلس؟ بنده باطمینان که شما يك وزیر عدلیه عالمی هستید و از قوانین کاملاً مستحضرید و آقايان باستانی هم که مدتی در عدلیه اعلم العلماء بوده‌اند آروز مدافع بودند بنده دیدم آروز آقايان علماء گفتند که چون ماده ۲۷۹ سابق شامل نمیشود و اگر تفسیر بکنید شامل خواهد شد بنده با فوریت هم رای دادم ولی حالا معلوم شد که

آن تفسیر هم فایده ندارد در صورتیکه اگر آروز آن ماده به کمیسیون عدلیه یا يك کمیسیون دیگر رفته بود معلوم میشد که اگر آن ماده را هم تفسیر کنند فایده ندارد این اشکال امروز پیش نمی‌آید و اینهم واقع نمیشد که حضرتعالی در ضمن صحبتتان به بنده يك چیزی بفرمائید در صورتیکه نهایت محبت بود و بنده هم در حال آنکه ارادت دارم ناچار بشوم جواب بگویم . عرض میکنم اگر قوانین برود در کمیسیون ها و زیر و زیر بشود و مطلع و مستحضر شویم چرا باید که پررور يك قوانینی را بگذرانیم بعد بگوئیم که معلوم شده است آن قانون بی ربط بوده است و سر بی صاحب تراشیده‌ام و بی فایده بوده است . . . .

وزیر عدلیه - اینطور نیست آقا

آقا سید یعقوب - خیر همینطور است اگر آن ماده بعد از تفسیر مدعی ما را حاصل میکرد مختلسین را متهمین را تحت تعقیب می‌آوردند و محاکمه میکردند چه لازم بود که امروز دو ماده دیگر باقی‌دو فوریت بیاورید ولی ما کاملاً با نظر شما موافق هستیم که متهمین تعقیب شوند انشاء الله امیدوار هستیم که راست باشد حالا يك فلسفه آقای مدرس برای بنده بیان میکردند خدا کند که در اینجایان نکنند و الا کار خراب می‌شود و آن يك مسئله است که قانون شامل ما قبل نمی‌شود ، آقای مدرس میدانم که نوبت بشا نمیرسد و الا خراب میکنید . اگر قانون به کمیسیون مراجعه شده بود و در جریان کمیسیونها افتاده بود این ایراد بنده امروز بروزی عدلیه و بر موافقین وارد نبود بواسطه اینکه امروز آن ماده را درست تحت دقت می‌آوردند و می‌دیدند که آن تفسیر مدعا و نظریات را درست نامین میکنند یا خیر و این منقصت پیش نمی‌آید و حالا هم این دو ماده را که آورده‌اند نمیدانم که فردا این نظر را نامین میکنند یا اینکه مثل همان تفسیری که در هشتم مرداد شد نظر را نامین نمیکند . پس خوب است آقای وزیر عدلیه این جا توضیح بدهند

و معلوم کنند که این دو ماده را که آورده‌اند کاملاً نامین میکنند یا خیر و آن متهمین را تحت تعقیب می‌آورند؟ مرور زمان هم که نوشته‌اند آنهام یک قدری ذهن را زدیك میکنند و امیدواری حاصل میشود که يك رتبی واقع بشود ولی باز هم بنده میترسم که بعد از دو ماه دیگر بهمین فوریت و با همین مساعدینی که دارند بیایند و بگویند که این قانون هم نشد و يك قانون دیگری باید نظریه ما را نامین کنند . این بود نظریات بنده در فوریت ثانی هم خواستم این نظریات را اظهار کنم و مخالفت کنم و نوبت بمن رسید .

وزیر عدلیه - بعضی عیبها در انسان هست که لا علاج است مثلاً بنده میبایستی ملتفت شده باشم که کله را که گفتم به مقام آقای آقا سید یعقوب بر میخورم و آنوقت اوقاتشان تلخ میشود و میفرمایند که چرا اینطور گفتمی اولاً ممکن است بنده به شما عرض کنم که خوب ببخشید و بنده اشتباه کردم و ثانیاً عرض میکنم که خیر همین طور بوده است و بنده اشتباهی نکرده‌ام . بنده نمی‌آیم دعاوی که در عدلیه هست یکی یکی به بیم . بنده خبر داشتم بمناسبت يك کاغذی که از مالیه آمده بود که مختلسین اصفهان تکلیفشان معین نشده است و در اثر این پیش آمد تحقیق کردم که دوسیه مختلسین اصفهان در پارک است گفتند بلی ولی ماده ۲۷۹ مانع است که کار آنها تعقیب شود . بنده آمدم آن ماده ۲۷۹ را به مجلس برای تفسیر آوردم و مجلس هم تفسیر کرد و در محکمه هم همان طور که در مجلس تفسیر شد عمل کردند ولی معلوم شد قبل از اینکه این ماده تفسیر شود مستنطق راجع به آن قراری داده است و آروز ما باین خیال نیفتادیم ولی اگر امروز بخيال افتادیم که باید این موضوع را جبران کنیم باید اعتراض کرد؟ از طرف دیگر ممکن است بفرمائید خوب تو که میدانستی بالاخره ممکن است که قرار مستنطق قرار قاضی باشد و نمی‌شود آن قرار را تعقیب کرد چرا آمدی مدعی العموم این طور

امر دادید؟ برای اینست که بنده باقا عرض کردم که این موضوع يك مسئله نظری است منتهی بیشتر نظر به این است که نمیشود موضوع را تعقیب کرد . ولی نظر من باین بود که تعقیب کنند و از این جهت گفتم تعقیب کنند برای اینکه نیایم اینجا و در مجلس هم مجبور نشوم این اندازه صحبت کنم و اگر چنانچه بتمیز هم رفت و این رویه را تعقیب کرد و قبول کرد اینطور باشد ولی دیدیم که نشد و در نیم این رویه را قبول نکردند و مجبور شدیم که این دو ماده را بمجلس بیاوریم و این علت عملی است که شده است . و حالا از آقايان استدعا میکنم که اینقدر اگر و اما نفرمائید ما این قانون را آورده‌ایم بمجلس که اصلاح کنید . يك مطلب را میخوام به آقای آقا سید یعقوب عرض کنم و آن این است که اگر مبنای دنیا بر این بود که هر قانونی را که مجلس وضع میکند بطوری کامل باشد و بطوری قضایا را پیش بینی کرده باشد که دیگر لازم نباشند يك قانونی را بیاورند و تجدید نظر کنند بنده گمان میکنم بعد از چند سالیکه مجلس در يك مملکت می‌نشست و يك قوانینی را وضع میکرد دیگر لازم نبود که مجلس داشته باشند ولی با وجود اینکه سایر ممالک و سایر کارشان بواسطه اینکه مدتها در این قبیل کارها بوده‌اند خیلی فراموش است هر سال ملاحظه میفرمائید که بسیاری از قوانین موضوعشان عوض میشود و قوانین جدیدی وضع میکنند این ایراد نیست که شما میفرمائید چرا يك روز قانون را گذرانده‌اید و حالا آورده‌اید و میخواهید عوض کنید . بنده يك نظر دیگری هم دارم و آن این است که اگر آقايان موافقت بفرمایند تصور میکنم پس از يك مدتی که آقايان نشسته اند خسته شده‌اند و در این حال خستگی کار کردن خیلی مشکل است اگر آقايان موافقت میفرمایند این تنفس را که بعضی آقايان میخواهند داده شود و واقعاً هم چند نفر بنشینند و يك مطالعه و دقتی هم در این قانون بفرمایند



و اگر هم آقایان موافقت ندارند بنده عرضی ندارم در هر حال همینقدر عرض میکنم آقایان سعی بکنند که فاصله ما بین صحبت امروز با نه بین تکلیف قانون نباشد و همین امروز بگذرد و چنانچه تکلیف آن معلوم نشود خواهید دید و یک روزی يك عده که واقعاً دلشان بحال مملکت میسوزد خواهند گفت که بواسطه تعویق این موضوع يك مهلتی به این اشخاص داده شد و اینها رفتند و يك دست و پائی کردند و يك کارهائی از دست رفت .

رئیس -- چون عده هم کافی نیست اگر اجازه می فرمائید تنفس داده شود .

( در اینموقع ( نیمساعت قبل از ظهر ) جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید )